

نقش اصحاب ایرانی امام هادی علیه السلام در گسترش معارف شیعی با تکیه بر علم کلام

اصغر منتظرالقائم^۱

محمدعلی چلونگر^۲

فرشته بوسعیدی^۳

چکیده

امامان شیعه به اقتضای شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه، برنامه‌ای برای ارشاد و جریان فکری و فرهنگی جامعه و نیز گسترش تشیع در مناطق اسلامی در نظر گرفتند و در راستای این اهداف خود به تربیت شاگردان برجسته بسیاری همت گماشتند تا پس از ایشان کاروان تشیع را به سوی پرستش خداوند و برپایی تمدن واقعی اسلامی رهنمون باشند. در این میان امام هادی علیه السلام نیز برای نیل به مقاصد خویش شاگردانی را تربیت کردند، که از آن میان تعداد زیادی ایرانی تبار بودند. این گروه با فراگیری علم کلام و انجام مناظره‌های کلامی نقش مهمی در انتقال افکار و اندیشه‌های ناب شیعه و تثبیت مذهب تشیع در ایران ایفا کرده‌اند و در این باب توانستند آثار ماندگاری را به وجود آورند. از آنجایی که علم کلام و مناظرات کلامی نقش مهمی در غنای مذهب تشیع داشته است، ما در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در جستجوی پاسخ به این پرسش‌ها هستیم:

۱- چه تعداد از یاران ایرانی امام هادی علیه السلام در زمینه علم کلام دست به نگارش آثار و

مناظرات کلامی زده‌اند؟

۲- آثار نگارش درآمده و نیز مناظرات صورت گرفته در چه موضوعاتی بوده و آیا شرایط

اجتماعی-سیاسی تأثیری در موضوع آثار و نیز مناظرات کلامی داشته است؟

واژگان کلیدی: امام هادی علیه السلام، یاران ایرانی، علم کلام، تشیع.

^۱ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

^۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

^۳ کارشناس ارشد تاریخ اسلام

به طور یقین خاستگاه تشیع حجاز بود و اولین شیعیان از همان منطقه برخاسته‌اند. اما با وجود عوامل مختلفی همچون برهانی بودن آموزه‌های تشیع، مظلومیت علویان و شیعیان، مهاجرت علویان و شیعیان و فرصت طلایی و فعالیت‌های امامین صادقین^{علیهما السلام} این مذهب به جزیره العرب منحصر نگشت و سراسر سرزمین‌های دور و نزدیک را فراگرفت. از سرزمین‌هایی که مورد توجه علویان و شیعیان بوده است سرزمین پهناور ایران بود که به تدریج و طی دوره‌های مختلفی تشیع به این بلاد راه یافت و آن قدر توسعه و گسترش پیدا کرد که حتی در دوران‌هایی شاهد حکومت‌های شیعی آل بویه و صفویان در آن هستیم. هر چند که این حکومت‌ها ایرانی بوده است؛ اما اساس ورود تشیع به ایران و نفوذ اولی آن به این سرزمین به زمان ورود اشعریان عرب به قم باز می‌گردد که در اواخر قرن اول هجری به این شهر آمده‌اند. و این در حالی بود که ایران هنوز گرفتار کشمکش بین پذیرش اسلام و استوار ماندن بر دین نیاکان و پیشینیان خود بود. با وجود این، مذهب شیعه رفته رفته در سراسر ایران منتشر شد. عواملی همچون فرهنگ ایرانیان، ظلم و ستم پادشاهان ایران، تعصبات نژادی و مهاجرت علویان به ایران در نفوذ تشیع و گسترش آن میان ایرانیان نقش اساسی ایفا کرده است. پس از گرایش ایرانیان به تشیع آن‌ها در زمانهای مختلف با کسب توانایی و تخصص، در زمینه‌های مناظره، فلسفه و... با دلایل قاطع از باورهای دینی و اعتقادی شیعه، دفاع کردند. اول کسی که در مسائل عقلی اسلامی به تجزیه و تحلیل پرداخت و مسائلی مانند قدم و حدوث و متناهی و غیر متناهی و جبر و اختیار و امثال آن‌ها را مطرح ساخت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب^{علیه السلام} است.^۴ هم چنین حضرت صادق^{علیه السلام} برای دفاع از کیان اسلام و تشیع، به تربیت شاگردان متعدد در فقه، حدیث، و نیز در فن مناظره اهتمام داشتند. در سده اول، دوم و سوم، متکلمانی همچون: علی بن اسماعیل بن میثم تمار (اصالتاً ایرانی) که کتابی در مسائل تألیف کرد، هشام بن سالم جوزجانی از اصحاب امام صادق^{علیه السلام}، محمد بن علی صاحب الطاق، هشام بن سالم، هشام بن حکم و فضل بن شاذان نیشابوری (از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی^{علیه السلام}) را می‌توان نام برد.^۵ این اشخاص توانستند در شکوفایی این شاخه از علم اسلامی اثرگذار باشند و با فعالیت‌های علمی خود فرهنگ تشیع را در سرزمین‌های اسلامی تثبیت کنند

^۴ رک: به خدمات متقابل اسلام و ایران استاد مطهری.

^۵ رک: به تاریخ تشیع (۲) حسینیان مقدم و دیگران.

و ادامه دهندگان راه آنان شیعیان و اصحاب^۶ ایرانی^۷ امام هادی علیه السلام بودند. ما در این پژوهش به تحلیل و بررسی شخصیت کلامی این افراد می‌پردازیم.

در ضمن برای جلوگیری از تطوّر مطلب از ذکر توضیحات اضافی در باب شخصیت‌ها خودداری شده و این جنبه از زندگی آن‌ها به پژوهش‌های بعدی موکول می‌شود.

اوضاع علمی و فرهنگی دوران امام هادی علیه السلام:

امام هادی علیه السلام در طول دوران امامت ۳۴ ساله خود، با شش تن از خلفای عباسی (معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز) معاصر بود. (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۴: ۴۰۱) امام هادی علیه السلام در سال ۲۳۳ هـ به دستور متوکل عباسی به سامرا آورده شد و علت آن این بود که عبدالله بن محمد، متصدی کار جنگ و خواندن نماز در شهر مدینه، پیش متوکل از آن حضرت سعایت و بدگویی کرد و پیوسته قصد آزار آن جناب را داشت. امام هادی علیه السلام که از جریان سعایت او آگاه شد نامه‌ای به متوکل نوشت و در آن نامه جریان آزار کردن عبدالله بن محمد به او و دروغ‌گویی او را در آن سعایتی که کرده بود برای متوکل یادآور شده بود، متوکل دستور داد پاسخ نامه آن حضرت را بنویسند و در ضمن آن، او را برای آمدن به سامرا دعوت کرد. (مفید، بی‌تا، ج ۲: ۲۹۷-۲۹۶) امام در این شهر به شدت تحت مراقبت بودند و به سختی با یاران خود ارتباط برقرار می‌کرد. متوکل حتی از ترساندن و ارباب آن حضرت ابایی نداشت، به گونه‌ای که روزی در مراسم رژه‌ای در برابر امام علی بن محمد علیه السلام به ایشان گفت: «تو را احضار کردم تا لشکریان ما را با تجهیزات آنان تماشا کنی». هدف او ایجاد ترس در وجود امام علیه السلام بود تا مبادا یکی از شیعیان و خاندانش به حمایت وی خروج کنند. (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۹۵) هم چنین باید اذعان کرد که دوران خلافت متوکل به سبب وجود جریان‌ها و حوادث سیاسی و دینی دوره‌ای حساس در تاریخ خلافت عباسیان به شمار می‌رود. سیاست دینی دستگاه خلافت متوکل در جهت حمایت از مذهب سنت و جماعت با داشتن تفکرات اهل حدیث، افکار و عقاید مخالف با آن را سرکوب کرد. بحث و نظر در امور دین ممنوع گردید؛ از تبلیغات مذهبی فرقه معتزله جلوگیری شد؛ شیعیان به شدت سرکوب شدند؛ فرمان‌های شدیدی برای تحقیر اهل ذمه صادر گردید و آن‌ها را از کارهای دولتی اخراج کردند. ولی عظمت‌شان و مقام علمی و معنوی امام هادی علیه السلام موجب شد بسیاری از طالبان علم برای حل مسائل و مشکلات علمی خود به آن حضرت روی آورند. امام

^۶ جمع «صاحب» در لغت به معنی یار، معاشر، همراه، هم نشین، مالک و امثال آن آمده است منظور از اصحاب در این نوشتار، آن دسته از افرادی هستند که در ارتباط مستقیم با اهل بیت علیهم السلام بودند و از نزدیک با ایشان حشر و نشر داشته و مدت قابل توجهی همراه آنان بوده‌اند.

^۷ منظور هم کسانی که در ایران متولد شده‌اند و هم کسانی که به ایران مهاجرت کرده و ایرانی شده‌اند مانند: خاندان اشعری.



هادی علیه السلام در دوران امامت خود برای رهبری فکری و فرهنگی شیعیان و امت اسلامی از هیچ کوششی دریغ نداشت و به رغم مراقبت‌های ویژه از آن حضرت، از طریق نامه به ارشاد و تربیت یاران خود می‌پرداخت. وی در مناظره‌های علمی شرکت می‌کرد و مسائل پیچیده و دشوار را حل می‌نمود. گاه متوکل مناظره‌های علمی تشکیل می‌داد تا شاید عظمت علمی آن حضرت را زیر سؤال ببرد، ولی امام همواره در میدان مباحثه و گفتگو پیروز بود. (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۴: ۴۰۳) علاوه بر این، هرگاه خلفا در مسائل قضایی با مشکلاتی روبرو می‌شدند، برای حل آن به امام هادی علیه السلام روی می‌آوردند (همان: ۴۰۵). امام هادی علیه السلام هم چنین برای جلوگیری از انحراف در میان شیعیان با جریان غلو به شدت برخورد کرد و شیعیانش را از زشتی رفتار و عقاید آنان آگاه ساخت. از آن جمله سه نفر از غلات به نام‌های حسن بن محمد بابا قمی و محمد بن نصیر و فارس بن حاتم قزوینی را مورد لعن خود قرار داد (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۸۰۵). اما شاید یکی از مهم‌ترین اقدامات فرهنگی امام هادی علیه السلام در جهت حفظ مبانی تشیع، تربیت شاگردان و یارانی برجسته و موثق بود که علوم و دانش‌های خود را توسط آنان در جامعه منتشر می‌کردند. در رجال طوسی نام ۱۹۰ نفر از اصحاب امام هادی علیه السلام آمده است که ۶۵ نفر از آنان ایرانی بوده‌اند (طوسی، ۱۳۸۰: ۳۹۸) ولی با مراجعه به کتب رجال دیگر در مجموع تعداد اصحاب ایرانی آن حضرت بالغ بر ۸۰ نفر می‌باشند که این رقم تعداد اصحاب امام هادی علیه السلام نسبت به دوره قبل اندک است. می‌توان گفت شرائط اجتماعی و سیاسی زمان ائمه یکسان نبوده است، مثلاً در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام شرائط اجتماعی مساعد بود و به همین جهت می‌بینیم که تعداد شاگردان و راویان حضرت صادق علیه السلام بالغ بر چهار هزار نفر می‌شد، ولی از دوره امام جواد تا امام عسکری علیهما السلام به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار خلافت، شعاع فعالیت آنان بسیار محدود بود و از این نظر تعداد راویان و پرورش یافتگان مکتب آنان نسبت به زمان حضرت صادق علیه السلام کاهش بسیار چشم‌گیری را نشان می‌دهد. بنابراین اگر می‌خوانیم که تعداد اصحاب حضرت هادی علیه السلام قریب ۱۹۰ نفر بوده‌اند نباید تعجب کنیم، زیرا آن حضرت شدیداً تحت مراقبت و کنترل سیاسی بود، در عین حال باید توجه داشت که در میان همین تعداد محدود اصحاب آن حضرت، چهره‌های درخشان و شخصیت‌های برجسته ایرانی مانند: علی بن مهزیار، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمد بن خالد برقی و احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی بودند که هر کدام در صحنه علمی وزنه خاصی به شمار می‌رفتند و برخی دارای تألیفات متعدد بودند و توانستند با انجام مناظرات کلامی و تالیف آثاری در باب کلام نقش مهمی در انتقال افکار ائمه و پایداری تشیع ایفا کنند که در زیر نقش این اصحاب ایرانی امام هادی علیه السلام در علم کلام و مناظره مورد بررسی قرار می‌گیرد.





۱- ابراهیم بن شیبه کاشانی، اصفهانی:

ابراهیم بن شیبه، مولی بنی اسد و اصلش از کاشان بوده است. وی از جمله اصحاب امام هادی علیه السلام بود. (طوسی، ۱۳۸۰: ۳۹۸) ابراهیم از جمله اصحابی بوده که در زمان امام هادی علیه السلام با غلات که احکام و موضوعات دینی را تحریف می کردند و موجب گمراهی و یا اقلا تحیر و سرگردانی شیعیان می شدند به مقابله پرداخته است. ابراهیم بن شیبه در نامه ای برای امام به تأویلات منحرفان عصر خود چنین اشاره می کند: فدایت گردم! نزد ما گروهی هستند که در فضل و مقام شما آنچنان گزافه گویی می کنند که دل ها می رمد و مشمئز می گردد و در این باب احادیثی روایت می کنند که نه می توان آن ها را پذیرفت زیرا موجب کفر است و نه می توان آن ها را رد و انکار نمود زیرا منسوب به پدران شماست و ما در این میان متحیریم. آنان می گویند: خداوند که می فرماید: ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر: نماز از فحشا و منکر باز می دارد.

و می فرماید: و اقیموا الصلاة و اتوا الزکاة: نماز را بپا دارید و زکات دهید.

منظور رکوع و سجود و پرداخت مبلغ معینی پول نیست بلکه آیات را تأویل کرده می گویند: مقصود از آیات مردی خاص است.

و بدین گونه تمام احکام الهی را تأویل می کنند، پس اگر منت گذارده پاسخی دهید تا ما را از هلاکت و نابودی و رهاند و تکلیف ما را با کسانی مانند علی بن حسکه و قاسم یقطینی که خود را از پیروان شما می دانند و روشن کنید درباره قبول سخنان آنان چه می فرمایید. امام در پاسخ نوشت: (لیس هذا دیننا فاعتزله...) این گفته ها از دین ما نیست پس از آن ها اجتناب کن. (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۷۰) ابراهیم گرچه در زمان خود با فرقه های انحرافی به مقابله پرداخته و از اسلام ناب دفاع کرده است ولی در این باب اثری از وی بر جای نمانده است.

۲- احمد بن ابی عبدالله محمد بن خالد برقی:

شیخ طوسی وی را از جمله یاران امام هادی علیه السلام معرفی کرده است. (طوسی، ۱۳۸۰: ۳۹۸) تاریخ ولادت احمد برقی دقیقاً معلوم نیست و حدود سال ۲۰۰ هـ ق نوشته اند. (قریشی، ۱۳۸۶: ۲۵۵) کنیه او «أبا جعفر» و اصلش کوفی و جدش محمد بن علی بوده است. محمد بن علی بعد از قتل زید علیه السلام توسط یوسف بن عمر زندانی و سپس به قتل رسید. نوه او خالد با سن کمی که داشت با پدرش عبدالرحمن به سوی برق رود (نام روستایی در قم) فرار کردند. (نجاشی، ۱۴۱۸: ۷۶ و ابن داود حلی، ۱۳۹۲: ۴۳) احمد بن محمد بن خالد برقی نسبت به پدرش محمد بن خالد برقی که به کبیر شهرت دارد احمد به صغیر شهرت دارد (مدرس، ۱۳۷۴: ۲۵۵) احمد از بزرگان موثق ایرانی بوده است که در



باب کلام اسلامی آثاری ارزشمند به نگارش در آورده است از آن جمله است کتاب التبصره (اصول عقاید و کلام)، کتاب الاحتجاج، کتاب أحادیث الجن و ابلیس، (نجاشی، ۱۴۱۸: ۷۶-۷۷) و کتاب الارکان. (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۳: ۹) این شخصیت بیشترین فعالیت را در نقل روایت از ائمه داشته است. در باب مناظرات کلامی از وی گزارشی در منابع ذکر نشده است.

۳- احمد بن داود بن سعید الفزاری (ابا یحیی جرجانی):

او از اصحاب امام هادی علیه السلام می باشد. (قزوینی، ۱۴۱۴: ۱۲۳) وی در آغاز، گرایش سنی داشت، ولی در زمان امام هادی علیه السلام (۲۵۴ق) به مکتب اهل بیت روی آورد و در دفاع از مذهب شیعه، کتاب هاب زیادی را تألیف نمود. وی با نوشتن کتاب های متعددی در فقه و اعتقادات و به ویژه در برابر فرقه های انحرافی «حشویه»، «مرجئه» و «قدریه» به اهداف خود دست یافت. (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۳: ۶۶) ابایحیی به واسطه مخالفتی که او را با جمعی از محدثان اهل سنت در تصحیح بعضی از احادیث نبویه واقع شد بر او معترض شدند و نزد محمد بن طاهر که از حکام عصر بود از او سعایت نمودند و او حکم به شلاق زدن و کشتن او نمود و در آخر «مسلم» که یکی از اکابر محدثان بود گواهی داد که حق به جانب احمد است و دیگران به واسطه رعایت طرف دیگر کتمان شهادت نمودند و او تبرئه شد. از جمله کتب کلامی احمد بن داود می توان به موارد زیر اشاره کرد: کتاب خلافة عمر بروایة الحشویه (در بیان مذهب حشویه و فضایح آن)، کتاب الرد علی الاخبار الکاذبة (در تکذیب روایاتی که درباره فضایل خلفای سلف نقل شده)، کتاب الغوغا من اصناف الامة من المرجئه و القدریه و الخوارج، کتاب التفویض، کتاب انبساط الحشویه، کتاب الرد علی الحنبلی، کتاب الرد علی الستجری فی نکاح السکران، (شوشتری، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۲۴ و ابن شهر آشوب، ۱۳۵۳: ۱۹-۱۸) و کتاب الصهاکی (در فضایح حشویه). (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۴۳۰) ابا یحیی جرجانی در مقابله با فرقه انحرافی حشویه اقدامات مهمی انجام داده است و در این باب به نگارش آثار ارزشمندی مبادرت ورزیده است. فرقه حشویه این فرقه همان افراطیون اهل سنت هستند و به نظر عقلی بی اعتناء بوده و این نظرات را بدعت می دانند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶: ۴۳۶) این عده برای یاری رساندن به عقائد باطل خویش به جعل حدیث روی آورده و جعل حدیث را وسیله ای برای هدف خود انگاشته بودند. (شوشتری، ۱۳۶۷: ۱۰۹) صاحبان عقاید خاص افراطی موسسین اولیه این فرقه محسوب می شوند. آن ها به مجلس درس حسن بصری حاضر شده و به وی اشکال می نمودند و حسن بصری نیز ایشان را به حاشیه مجلس خود رانده بود و از این جهت به حشویه معروف شدند. (شکری الألوسی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۱۸۲) نویسندگان عقاید، افرادی مانند مضر و کهمس و احمد هیجی از روسای مشبهه را به عنوان حشویه معرفی می کنند. (شهرستانی،

۱۴۰۴، ج ۱: ۱۰۰) کتاب استنباط الحشویه توسط نجاشی از شیخ کشی روایت شده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۳۴) ابا یحیی این کتاب را در رد بر حشویه و بعد از آن که به تشیع گروید به نگارش در آورده است. (سبحانی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۲۵۲)

۴- حسین بن سعید بن حماد اهوازی:

جد او مهران غلام علی بن حسین علیه السلام بود. حسین از اصحاب امام رضا و امام جواد و امام هادی علیه السلام بوده است. اصل حسین کوفی و با برادرش حسن به سوی اهواز آمدند و سپس مقیم قم شدند و بر حسن بن ابان وارد شدند. (طوسی، ۱۳۸۰: ۳۹۹ و علامه حلی، ۱۴۲۲: ۱۱۴) تاریخ ولادت حسین بن سعید سال ۱۸۰هـ تعیین شده. (قمی، ۱۳۱۹، ج ۱: ۳۷) به طوری که از شیخ طوسی و نجاشی روایت شده حسین بن سعید دارای سی کتاب معروف بوده است که برادرش حسن بن سعید هم در روایت آن شرکت داشته است. سی کتاب حسین بن سعید که بیشتر کتاب‌های فقهی است چنان متقن و مستند و با دقت نظر و اطلاع وسیع و اعتماد و اطمینان تصنیف شده بود، و مورد توجه معاصران و دانشمندان قرار داشت، که در پختگی و خوبی نمونه بود و ضرب المثل شد. از سی کتاب حسین بن سعید تا کنون دو کتب آن چاپ و منتشر شده است. نخست کتاب «المؤمن» او که با ترجمه اردو در هند چاپ شده و دیگر کتاب «الزهد» که اخیراً در قم انتشار یافته است. نسخه خطی کتاب «الصوم» او نیز در کتابخانه مرحوم آیت الله حکیم در نجف اشرف موجود است. در میان سی کتابی که توسط وی به نگارش در آمده است تنها کتاب کلامی وی کتاب الرد علی الغلات می‌باشد. (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۴۰۶) اثری از این کتاب در منابع تاریخی گزارش نشده است.

۵- علی بن عبدالله قمی، العطار:

وی از جمله اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام، (طوسی، بی‌تا: ۴۰۴) کنیه او ابوالحسن العطار، قمی و مورد اعتماد می‌باشد. (نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۵۴) تنها کتابی که توسط وی در باب کلام به نگارش در آمده است: «کتاب الاستطاعة علی مذاهب أهل العدل» می‌باشد. (علامه حلی، ۱۴۲۲: ۱۸۶ و نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۵۴) این کتاب توسط نجاشی با چهار واسطه روایت شده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ ج ۲: ۲۷)

۶- علی بن مهزیار دورقی اهوازی:

وی از اصحاب امام هادی علیه السلام بوده است. (ابن داود حلی، ۱۳۹۲: ۱۴۲) علی از مدافعان سیاسی و اعتقادی مذهب شیعه بوده است؛ چنان که کتاب‌های او در ردّ بر غلات و علی بن اسباط، که در آغاز فردی «فطحی المذهب» بود، گواه بر این مطلب است. (ابوالحسینی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۵۴) از جمله تألیفات کلامی علی بن مهزیار، کتاب فضائل، کتاب الرد علی الغلات، کتاب فضائل المؤمنین ونزّههم و رسائل علی بن اسباط می‌باشد. (نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۵۳) از موارد قابل توجه در مورد علی بن مهزیار می‌توان به مناظرات علمی او با پیروان مذاهب مختلف اشاره کرد که در جای خود جهت پی بردن به مقام علمی و معنوی او قابل تأمل است. در ذیل به یکی از این موارد اشاره شده است. نجاشی در اثر خود آورده علی بن اسباط، مذهب فطحی داشته؛ روزی علی بن مهزیار با علی بن اسباط مناظره در مورد مذهب فطحی انجام داده‌اند بعد از بحث و گفتگو میان دو طرف و در پایان بحث خود که به نتیجه‌ای نمی‌رسند به امام محمد تقی علیه السلام مراجعه نموده‌اند. در نتیجه با حمایت امام تقی علیه السلام علی بن اسباط از دین و عقیده خویش برگشت و مذهب فطحی را ترک گفت. و از آن پس علی بن اسباط نیز به جرگه علمای شیعه پیوست. علی بن اسباط قبلاً از امام رضا علیه السلام روایت کرده بود و از موثق‌ترین مردم و صادق‌ترین آن‌ها در لهجه بود. کتاب‌های الدلائل و التفسیر المزار و کتاب النوادر از اوست. (صاحب المعالم ابن زیدالدین، ۱۴۱۱، ج ۱: ۳۶۲)

۷- احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی:

وی از جمله اصحاب امام هادی علیه السلام و از جمله رؤسای محدثان قم بوده است. تنها تألیف او در زمینه کلام «کتاب التوحید» می‌باشد (نجاشی، ۱۴۱۸: ۸۲). این کتاب را نجاشی با چهار واسطه از وی روایت کرده است (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ ج ۴: ۴۷۷). همان طور که از نام این کتاب مشخص است این کتاب در اثبات یگانگی خداوند به نگارش در آمده است.

۸- ابوبکر رازی:

از اصحاب و راویان امام هادی علیه السلام و از متکلمان شیعه می‌باشد که در این باب دست به نگارش اثر نیز زده است (عطاردی (الف)، ۱۴۱۰: ۳۱۳ و آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲ ج ۱: ۳۲۷). وی در باب کلام اسلامی «کتاب الامامه» را به نگارش در آورده است. (نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۸۱)

۹- حسین بن اشکیب خراسانی: (مروزی، سمرقندی، قمی)

حسین بن اشکیب مروزی ساکن سمرقند و کش و از عالمان متکلم شیعی، از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام بوده است (طوسی، ۱۳۸۰: ۴۲۹). ابن ابی اسود، امیر بلخ، حسین بن اشکیب را برای مناظره با غانم هندی در امر امامت، تعیین کرد، و او را بر سایر علما و فقها که پیرامونش بودند، مقدم داشت؛ چون می دانست او از نظر وسعت دانش و تسلط در بحث امامت، بر دیگر دانشمندان پیشی دارد (دوانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۲۸). او سر انجام در مناظره ای که با غانم هندی داشت غانم را به دین مبین اسلام هدایت نمود (ابوالحسینی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۵۵). از جمله تألیفات کلامی حسین بن اشکیب می توان به دو کتاب اشاره کرد. «کتاب الرد علی من زعم ان النبی صلی الله علیه وآله» و «کتاب الرد علی الزیدیه» (نجاشی، ۱۴۱۸: ۴۶). این دو کتاب توسط محمد بن الوارث، از مشایخ بزرگ اواخر قرن سوم هجری، از حسین بن اشکیب برای ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه، روایت شده است (سجادی، ۱۳۸۳: ۴۹). کتاب «الرد علی من زعم ان النبی که در باب نبوت بوده است» (سبحانی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۴۰۲). دو کتاب فوق نشان از آن دارند که وی در برابر تفکرات انحرافی عصر خود، موضع می گرفت و از اعتقادات شیعه اثنا عشری دفاع می کرد.

۱۰- حسین بن عبیدالله قمی:

وی از یاران امام هادی علیه السلام بوده است (عطاردی (الف)، ۱۴۱۰: ۳۳۲ و خوئی، بی تا، ج ۶: ۲۵). از جمله تألیفات کلامی حسین بن عبیدالله می توان به: کتاب التوحید، کتاب المؤمن و المسلم و کتاب الامامت، اشاره کرد. (نجاشی، ۱۴۱۸: ۴۲)

۱۱- سلیمان بن حفص مروزی:

وی از اصحاب و راویان امام رضا و امام هادی علیهما السلام می باشد (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۷۷). سلیمان از متکلمان و دانشمندان بزرگ خراسان بود که مأمون او را به مرو احضار کرده بود تا در مجالس علمی و مناظرات و احتجاجات امام رضا علیه السلام شرکت کند (عطاردی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۹۰۸). وی مناظراتی با امام رضا علیه السلام در باب توحید، بداء، حادث، قدیم، و اراده، داشته است (شیخ صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۶۱). سلیمان بن حفص هر چند از متکلمان فعال زمان خود بوده است اما در باب کلام اثری را به نگارش در نیاورده است.

۱۲- عبدالله بن جعفر بن حسن حمیری قمی:

وی از یاران و راویان امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام بوده است (عطاردی، ۱۴۱۰ (الف): ۳۴۶ و طوسی، ۱۳۸۰: ۴۳۲). او در باب کلام آثاری را به نگارش در آورده است که از آن جمله است: کتاب الامامت، کتاب الدلائل، و کتاب ما بین هشام بن الحکم و هشام به سالم (نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۲۰-۲۱۹ و عطاردی (الف)، ۱۴۱۰: ۳۱۹). از کتاب الدلائل عبدالله بن جعفر در کتب دلائل مانند: دلائل ابن جریر و دلائل حمیری نام برده شده است. هم چنین میرزا کمالا، داماد علامه مجلسی در کتاب «البیاض الکمالی» به این کتاب اشاره کرده است. و گفته است بر ما است مطالعه دلائل حمیری. از این کتاب نسخه‌ای نزد میرزا کمالا موجود بوده است (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۸ صلی الله علیه وآله ۲۳۷). هم چنین سید ابن طاووس در فرج المهموم در موارد بسیاری از جمله در صفحه ۹۷ از آن نقل روایت کرده است و در مستخرجات کتاب خود نیز از آن نام برده است (جلالی حسینی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۱۱). ابن طاووس در کتاب «کشف المحجبه» در وصیتی به فرزندش محمد از او می‌خواهد که به کتب دلائل از جمله کتب دلائل ابن جریر و حمیری توجه داشته باشد (ابن طاووس، ۱۳۷۰، ج ۱: ۴۲). کتاب الامامه عبدالله بن جعفر توسط أبوغالب الزراری در سال ۲۹۲ شنیده شده و أبوغالب نام آن کتاب را در نامه‌ای به برادرش ذکر کرده است. (آل قیس، بی تا، ج ۲: ۳۲۸)

۱۳- فضل بن شاذان نیشابوری:

او از اصحاب و راویان امام رضا، امام جواد و امام هادی علیه السلام و از متکلمین شیعه در اوسط قرن سوم هجری می‌باشد (طوسی، بی تا: ۲۵۴). فضل بن شاذان سخنوری مقتدر و متکلمی بی نظیر بودند که در مقابل دشمن هرگز فرو نمی‌ماند، و رگبار دلائل عقلی و نقلی را بر مغز دشمن فرو می‌ریخت، و راه فرار را از هر سو به روی او می‌بست. و این، از آثاری که توسط وی در باب کلام به نگارش در آمده است روشن است.

وی در مجالس مناظره ابن فضال، بزرگ فطحیان، شرکت می‌جست و مورد علاقه وافر او بود. از مشایخ واقفی او نیز سیف بن عمیره، عثمان بن عیسی، عبدالله بن قاسم حضرمی و عبدالله بن جبله را می‌توان یاد کرد (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷، ج ۴: ۵۱). در کتاب مختار مذکور است که عبدالله بن طاهر، فضل بن شاذان را از نیشابور اخراج نمود و بعد از آنکه او را پیش خود طلبید و تفتیش کتب او نمود امر کرد او را تا آن کتب را جهت او بنویسند پس فضل رؤس مسائل اعتقادیه را از توحید و عدل و مانند آن جهت او نوشت و چون آن به نظر عبدالله رسید گفت این قدر کافی نیست می‌خواهم که اعتقاد تو را درباره سلف بدانم پس فضل گفت ابوبکر را دوست دارم و از عمر بیزارم، عبدالله گفت چرا از عمر

بیزاری گفت، به واسطه آن که عباس عموی پیامبر را از شورا بیرون کرد و به سبب القای این جواب لطیف که متضمن خوش آمد عباسیان بود از دست او رهایی یافت (شوشتری، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۰۰). سهیل بن بحر فارسی روایت نموده که گفت در آخر عهد مصاحبت خود با فضل بن شاذان از او شنیدم که می گفت من خلیفه جمعی از اکابر که از پیش رفتند مانند: محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و غیرهم و پنجاه سال در خدمت ایشان بود و از ایشان استفاده می نمودم و هشام بن حکم چون بگذشت یونس بن عبدالرحمان جانشین او بود در رد بر مخالفان و چون یونس وفات یافت جانشین او در رد مخالفان سکاک بود و او نیز از میان رفت و منم جانشین ایشان انتهی (قمی، ۱۳۱۹، ج ۱: ۳۹۹). از تألیفات کلامی فضل بن شاذان می توان به کتب زیر اشاره کرد.

کتاب النقض علی الاسکافی فی تقویة الجسم (ابوجعفر محمد اسکافی از پیشوایان به نام معتزلیان بغداد)، کتاب الوعید، الرد علی اهل التعطیل، الاستطاعة، الاعراض و الجواهر، الرد علی الثنویه (نصارا)، إثبات الرجعة، الرد علی الغالیة المحمّدية، الرد علی محمد بن کرام، التوحید فی کتب الله، الرد علی أحمد بن الحسین، الرد علی الأصم، فی الوعد و الوعید آخر، الرد علی البیان بن رئاب، الرد علی الفلاسفة، الأربع مسائل فی الامامة، الرد علی المنانیه (مانوی)، الرد علی المرجئه، الرد علی القرامطه، الرد علی البائسه، الامامه کبیر، فضل امیر المؤمنین، خصال فی الامامة، الرد علی الحشویه، الرد علی الحسن البصری فی التفضیل و کتاب النسبه بین الجبریه و الثنویه. (نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۰۷)

تنها کتابی که به طور کامل از فضل بن شاذان بدست آمده و چاپ و منتشر شده است کتاب «ایضاح فی الرد علی سائر الفرق» است. نسخه هایی از این کتاب در مشهد (آستان مقدس)، نجف (کتابخانه آیت الله حکیم)، قزوین (کتابخانه حاج سید جوادی) و دست نویسی از آن در کتابخانه مرحوم محدث ارموی و نسخه های دیگری از آن در عراق موجود است (سزگین، ۱۳۸۰، ج ۱: ۷۶۶). هم چنین در تذکره النوادر نقل شده است که نسخه هایی از آن در مخازن آیا صوفیه، بانسی فور، اسکورپال و الخدیویه وجود داشته است (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲۳: ۴۹۱). این کتاب توسط سید جلال محدث ارموی تصحیح و تحشیه شده و در تهران و توسط دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۳ هـ ش منتشر گردیده است (دوانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۵۱-۱۵۰ و سزگین، ۱۳۸۰، ج ۱: ۷۶۶). این کتاب در علم کلام و در واقع ادعای اهل تشیع در برابر اهل سنت و جماعت است و تمام مطالب خطاب به اهل تسنن گفته شده است (جنیدی، ۱۳۵۹: ۵۹). وی هم چنین در این کتاب به نقض مخالفان امامیه به طور اعم و معتزله، جهمیه، مرجئه، خوارج و اصحاب حدیث به طور اخص پرداخته است (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷، ج ۴: ۵۲). از کتاب «اثبات رجعت» فضل بن شاذان سید محمد میر لوحی حسینی معاصر علامه مجلسی در «نجم ثاقب» نقل روایت کرده است (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱۰: ۱۶۳-۱۶۲ و دوانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۵۰). آقا بزرگ طهرانی گوید که این کتاب به دو باب تقسیم شده است باب اول آن در

مورد آیات و باب دوم آن در مورد احادیث می باشد. که در باب مربوط به آیات ۱۴ آیه را ذکر می کند و بعد از آن به رد نافین رجعت پرداخته است و در آخر به معرفی مآخذ کتاب اش پرداخت است که از جمله مآخذ آن کتاب رجب البرسی را نام می برد. نسخه ای از این کتاب به صورت ناقص نزد شیخ محمد سماوی وجود دارد که از اول تا آخر آیه یازدهم را شامل می شود (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۹۳). کتاب اثبات الرجعه منتخبی از آن به کوشش باسم موسوی در مجله تراثنا به چاپ رسیده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷، ج ۴: ۵۲). نسخه ای از این کتاب در کتابخانه سید حکیم در نجف و به خط حر عاملی موجود می باشد (جلالی حسینی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۲۸۱). کتاب اثبات الرجعه شیخ تا قرن دوازدهم هجری از کشاکش روزگار جان سالم برده، به دست یکی از علمای معروف اصفهان معروف به «میرلوحی» رسیده است. میرلوحی چهل حدیث از این کتاب را انتخاب کرده و کتابی به نام «کفایه المهدی» را تألیف کرده است که نسخه ای از این کتاب در کتابخانه الزهراء (۱۰۸۱) که مربوط به عصر مؤلف است، موجود است (مهدی پور، ۱۴۱۵: ۲۷). کتاب الغیبه فضل بن شاذان به غیر از کتاب اثبات الرجعت می باشد این کتاب در باب رجعت و احادیث آن می باشد و در باب ظهور الحجه عجل الله فرجه الشریف و احوال او نیز می باشد^۸ (سبحانی، ۱۴۲۳، ج ۴: ۳۵۰). کتاب التوحید من کتب الله یکی دیگر از کتاب های کلامی فضل است که در آن به رد «یزید بن بزیع الخارجی» پرداخته است (همان، ج ۲: ۳۵۹). کتاب رد بر فلاسفه فضل بن شاذان که در واقع در آن به رد کسانی پرداخته است که دیگران را به فلسفه دعوت می کنند شامل توحید، الاعراض، الجواهر و الجزء می باشد (همان، ج ۳: ۳۹۳). کتاب الاعراض و الجواهر فضل بن شاذان توسط نجاشی از گنجی روایت شده است (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۳۶). دو کتاب دیگر به نام حذو النعل بالنعل و التنبيه من الحیره و التیه نیز از تألیفات وی به شمار می رود که منابع مربوط به امام مهدی موضوع این دو کتاب را مسئله غیبت و مهدی موعود، دانسته اند (مهدی پور، ۱۴۱۷، ج ۱: ۵۳). تعدادی از روایات کلامی فضل بن شاذان را می توان در کتاب موسوعه الفقهیه جلد ۴ و کتاب الفصول المختاره، مشاهده کرد. از کتب کلامی فضل بن شاذان این گونه به دست می آید که وی با اشخاص مختلف از فرقه گوناگون نیز به مناظره می پرداخته است. فضل بن شاذان زبان گویا و شمشیر برانی علیه منحرفین از دین و مذهب بود لذا مورد هدف همه پیروان مذاهب انحرافی زمان خود قرار داشت.

^۸ ۱۷۰ مورد از روایات این کتاب توسط علی اکبر مهدی پور تحقیق و مستخرج شده است و در سال ۱۴۰۸ در مجله تراثنا در قم به چاپ رسیده است.



۱۴ - محمد بن حسان رازی:

از اصحاب امام هادی علیه‌السلام که از جمله محدثان، فقها، و متکلمان تشیع بوده است (طوسی، ۱۳۸۰: ۴۲۵). وی در زمینه کلام تنها یک اثر بنام الشیخ و الشیخیه را به نگارش در آورده است (نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۳۸). این کتاب توسط نجاشی به سه واسطه روایت شده است و آخرین آن‌ها أحمد بن ادریس و محمد بن یحیی می‌باشند. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۲۶۶)

۱۵ - محمد بن اورمه قمی:

وی از اصحاب امام هادی علیه‌السلام بوده است (عطاردی، ۱۴۱۰ (الف): ۳۵۹). آقا رضی قزوینی در ضیافه الاخوان گفته که نورالدین قمی در رساله فارسیه که در ذکر رجال قم نوشته محمد بن اورمه را از جمله افاضل بلده قم و اکابر محدثین آن‌جا شمرده است. (قمی، ۱۳۶۹: ۳۱۸) محمد بن اورمه از جمله متکلمان شیعه بوده است که در این باب «کتاب الرد علی الغلات» را تألیف کرده است. (مقدس زاده، ۱۳۳۵: ۱۴۴) وی احتمالاً این کتاب را بعد از این که متهم به غلو شد و تصمیم به قتل وی گرفته‌اند به نگارش در آورده است.

۱۶ - محمد بن علی بن محبوب قمی:

وی از یاران امام هادی علیه‌السلام و (طبسی، ۱۳۷۴: ۳۵۴) امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌باشد. (عطاردی (ب)، ۱۴۱۰: ۳۴۰) که در باب کلام «کتاب النوادر فی الامامه» را تألیف کرده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۳، ص: ۹۲)

۱۷ - ابومقاتل دیلمی:

نقیب رازی، اسم او صالح و از اصحاب امام هادی علیه‌السلام می‌باشد. (عطاردی (الف)، ۱۴۱۰: ۳۱۷) وی کتابی در باب حدیث و کلام به نام «الاحتجاج» دارد. (نجاشی، ۱۴۱۸: ۱۹۸ و ابن داود، ۱۳۹۲: ۱۰۹) این کتاب، کتابی بزرگ در امامت بوده است. (سبحانی، ج ۱، ۱۴۲۳: ۱۸۶) که مشتمل بر حدیث و بحث‌های کلامی است.



۱۸ - محمد بن عبدالله قمی:

از جمله اصحاب و راویان امام رضا و امام جواد، و امام هادی علیه السلام می باشد (شوشتری، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۳۷). وی کاتب امام زمان علیه السلام بوده است (اردبیلی، ج ۲، ۱۴۰۳: ۱۴۰)، که در باب کلام اسلامی کتاب «الاحتجاج» را به نگارش در آورده است. (نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۵۵)

۱۹ - محمد بن سعید بن کلثوم مروزی:

وی از یاران امام هادی و از متکلمان شیعه می باشد (طوسی، ۱۳۸۰: ۴۲۱). وی از اجله متکلمین نیشابور بوده است و ابن داود روایت نموده که در اصل خارجی بود و بعد از آن به مذهب تشیع روی آورد (شوشتری، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۲۱). در منابع رجالی از وی به عنوان یک متکلم یاد شده است، ولی در باب آثار کلامی و یا مناظرات وی گزارشی صورت نگرفته است.

۲۰ - یعقوب بن اسحاق السکیت اهوازی:

ابویوسف از اصحاب امام جواد و امام هادی علیه السلام و از بزرگان در ادبیات عربی و لغت بوده است (نجاشی، ۱۴۱۸: ۴۴۹). بیشتر علمای رجال محل تولد ابن سکیت را در خوزستان (دورق) و در سال ۱۸۶ هـ ق می دانند (قریشی، ۱۳۸۶: ۲۵۳). وی در باب کلام دارای کتابی به نام الفرق بوده است. این کتاب در اندلس معروف بوده و از مصادر کتاب المخصص ابن سیده و الصغانی در «التکمله» بوده است و فهری نیز در کتاب «تحفه المجدالصریح» از آن نقل روایت کرده است. نسخه ای از این کتاب در قاهره موجود بوده است (سزگین، ۱۴۱۲، ج ۸: ۲۳۹). سبب قتل ابن سکیت آن بود که او مؤدب اولاد متوکل بود روزی متوکل از او پرسید که تو پسر من معتز و مؤید نزد تو بهتر است یا حسن و حسین؟ ابن السکیت شروع کرد به نقل فضائل حسنین علیه السلام، متوکل به غلامان ترک خود امر کرد تا او را زیر پای خود افکندند و سپس او را به خانه اش بردند، در فردای آن روز وفات کرد و به قولی در جواب متوکل گفت: که قنبر خادم علی علیه السلام بهتر است از تو و دو پسرانت، متوکل امر کرد تا زبانش را از قفایش بیرون کشیدند و او را ابن السکیت می گفتند به جهت کثرت سکوت او. (قمی، ۱۳۱۹، ج ۱: ۴۰۴ و قمی، ۱۳۶۳: ۷۲)



۲۱- عبدالرحمن بن أحمد بن جیرویه اصفهانی:

از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام و از متکلمان بزرگ شیعه بوده است (قهپائی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۷۴)، که محمد بن عبدالله اصفهانی به توسط وی از مذهب معتزله به امامیه روی آورد. عبدالرحمن در باب کلام کتاب «الکامل فی الامامه» را به نگارش در آورده است. (عطاردی (ب)، ۱۴۱۰: ۳۴۴ و قهپائی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۷۴)

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب اذعان شده باید گفت ۲۱ نفر از شاگردان ایرانی امام هادی علیه‌السلام فعالیت چشم‌گیری در باب کلام داشته‌اند و توانسته‌اند در این باب دست به نگارش اثر زده و به مناظرات کلامی بپردازند. همان‌طور که مشخص است بیشترین این شاگردان در قم حضور داشته‌اند و این شاید به این دلیل بوده است که قم از پایان قرن اول هجری کانون سنتی شیعیان بود. چون در این زمان امام تحت نظر حکومت وقت بودند و نمی‌توانستند با مردم ارتباط برقرار کنند، شاگردان ایرانی از مناطق مختلف ایران به خدمت امام می‌رسیدند و به فراگیری مبانی ناب تشیع می‌پرداختند و برای دفاع از این مبانی دست به نگارش اثر و نیز انجام مناظره‌های کلامی می‌زدند. هم چنین باید توجه داشت آثاری که توسط این افراد به نگارش درآمده و مناظراتی که توسط آن‌ها صورت گرفته در واقع حکایت از آن دارد که شرایط اجتماعی و سیاسی در موضوع آثار و نیز مناظرات آن‌ها دخیل بوده است. چرا که در این زمان از یک سو شاهد فعالیت گسترده غالیان، حشویه (افراطیون اهل حدیث)، فطحیان (قائلین به امامت عبدالله افطح فرزند امام جعفر صادق) و جنبش خردگرایی معتزله (مسئله خلق قرآن) و از سوی دیگر مسئله امامت، غیبت و بحران حیرت هستیم. پس مشاهده می‌کنیم که اکثر آثار به نگارش درآمده و نیز مناظرات صورت گرفته بیشتر در این ابواب می‌باشد. مسئله دیگری که باید به آن توجه داشت این است که این یاران با مناظراتی که انجام می‌دادند نه تنها موجب تثبیت تشیع می‌شدند بلکه اکثر مواقع باعث می‌شدند که با مغلوب کردن طرف مقابل وی را به مذهب تشیع در آورند. پس این یاران با نگارش آثار کلامی به مبارزه با فرق انحرافی پرداخته و با ایجاد مناظره‌های کلامی در دفاع از حقانیت تشیع سعی بلیغی به عمل آوردند و توانستند مکتب تشیع را در مناطق مختلف ایران از خطر انحراف و نابودی نجات دهند.



منابع

کتاب‌ها و مقالات

۱. آقا بزرگ طهرانی (۱۳۷۲ هـ)، مصنفات شیعه، به اهتمام محمد آصف فکرت، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲. همو (۱۴۰۸ هـ. ق)، الذریعه التصانیف الشیعه، قم: اسماعیلیان.
۳. آل قیس، قیس (بی تا)، الایرانیون و الادب العربی (رجال فقه الشیعه امامیه)، بی جا، موسسه البحوث والتحقیقات الثقافیه.
۴. ابن ندیم، محمدابن اسحاق (۱۳۴۶)، فهرست، ترجمه رضا تجدد، بی جا.
۵. ابن ابی الحدید معتزلی (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، ج ۶، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۶. ابن داود، حسن بن علی (۱۳۹۲ هـ)، الرجال، نجف: ناشر حیدریه.
۷. ابن سیده، ابی الحسن علی بن اسماعیل (بی تا)، المخصص، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی سروی (بی تا)، مناقب آل ابی طالب، قم: مطبعه العلمیه.
۹. همو (۱۳۵۳ ق)، معالم العلماء، تهران.
۱۰. ابن طاووس، ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد الحسنی الحسینی (۱۳۷۰ هـ- ۱۹۵۰)، کشف المحجّه لثمره المهجّه، نجف: منشورات المطبعه الحیدریه.
۱۱. ابوالحسنی، رحیم (۱۳۸۴)، عالمان شیعه، قم: شیعه شناسی.
۱۲. اربلی، ابی حسن علی بن عیسی (۱۳۸۱ هـ. ق)، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، تحقیق هاشم رسولی، قم: مکتبه العلمیه.
۱۳. اردبیلی الغروی حائری، محمدبن علی (۱۴۰۳)، جامع الرواء، قم: مکتب آیت الله العظمی مرعشی نجفی، هـ. ق.
۱۴. اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲ هـ)، الزهد، بی جا.

۱۵. همو (۱۴۰۴)، المؤمن، قم: مدرسه امام مهدی عجل الله فرجه الشريف.
۱۶. پاک، محمدرضا (۱۳۸۴)، فرهنگ و تمدن اسلامی در قم، قم: آستانه مقدسه قم.
۱۷. جلالی حسینی، محمد حسین (۱۴۲۲)، فهرس التراث، قم: دلیل ما.
۱۸. جنیدی، فریدون (۱۳۵۹)، فضل بن شاذان نیشابوری، نبرد اندیشه‌ها در ایران پس از اسلام، بی‌جا، انتشارات بلخ.
۱۹. جهانی، علی اکبر (۱۳۸۴)، زندگی امام حسن عسگری علیه السلام، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۰. حسینیان مقدم، حسین و داداش نژاد و دیگران (۱۳۸۴)، تاریخ تشیع ۲، قم: سمت.
۲۱. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی (بی تا)، معجم الرجال الحديث، قم: انتشارات مدینه العلم آیه الله العظمی خوئی.
۲۲. دوانی، علی (۱۳۶۳)، مفاخر اسلام، تهران: ناشر امیرکبیر.
۲۳. سبجانی، جعفر (۱۴۲۳ هـ)، معجم التراث الکلامی، قم: موسسه الامام الصادق.
۲۴. سجادی، احمد (۱۳۸۳)، صحیفه سجّادیه به روایت حسین بن اشکیب، اصفهان: موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء.
۲۵. سزگین، فؤاد (۱۳۸۰)، تاریخ نگارش‌های عربی، به اهتمام احمدرضا رحیمی ریشه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. همو (۱۴۱۲)، تاریخ التراث العربی، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۷. شکری الألوسی، أبوالمعالی محمود (۱۴۲۲)، مسائل الجاهلیه التي خالف فيها رسول الله أهل الجاهلیه، بی‌جا.
۲۸. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۶۷)، الصوارم المهرقه، تهران: انتشارات چاپ‌خانه نهضت.
۲۹. همو (۱۳۶۵)، مجالس المؤمنین، قم: انتشارات اسلامی.
۳۰. شهرستانی، عبدالکریم (۱۴۰۴)، الملل و النحل، بیروت: دارالمعرفه.
۳۱. شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی (۱۳۷۲)، ترجمه عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید - علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۳۲. صاحب المعالم ابن زید الدین، الشیخ حسن (۱۴۱۱ هـ ق)، تحریر الطاووسی، تحقیق: فاضل الجواهری، الطبعة الاولى، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۳۳. طبسی، محمد جواد (۱۳۷۴)، حیاة الامام العسگری، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.



۳۴. طوسی، ابن جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۰ ق)، رجال، نجف: الحیدریه.
۳۵. همو (۱۴۰۴ ق)، اختیار المعرفة الرجال (رجال الکشی)، بی جا، ناشر آل بیت.
۳۶. همو (بی تا)، فهرست، بی جا، ناشر مکتبه المرتضویه.
۳۷. عالمی دامغانی، محمد علی (۱۳۷۱)، شاگردان مکتب ائمه علیہ السلام، قم: مؤلف.
۳۸. عطاردی، عزیز الله (۱۳۸۸)، اخبار و آثار امام رضا علیہ السلام، ج ۲، مشهد: انتشارات عطارد.
۳۹. همو (۱۴۱۰ هـ ب)، مسند امام حسن عسکری علیہ السلام، قم: ناشر المؤتمر العالمی للامام الرضا علیہ السلام.
۴۰. همو (۱۴۱۰ هـ الف)، مسند امام هادی علیہ السلام، قم: ناشر المؤتمر العالمی للامام الرضا علیہ السلام.
۴۱. همو (۱۴۱۰ هـ ج)، مسند امام جواد علیہ السلام، قم: ناشر التمر العالمی للامام الرضا علیہ السلام.
۴۲. علامه حلی، حسین بن یوسف (۱۴۲۲ ق)، خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال، بی جا، ناشر الفقاهه.
۴۳. قریشی، سید حسن (۱۳۸۶ هـ)، اصحاب ایرانی ائمه اطهار علیہ السلام، قم: آشیانه مهر.
۴۴. قزوینی، محمد کاظم (۱۴۱۳)، الامام عسکری علیہ السلام من المهدی إلى اللحد، قم: مکتبه بصیرتی.
۴۵. همو (۱۴۱۴ ق)، الامام الجواد من المهدی الى اللحد، قم: مؤسسه الرساله.
۴۶. قمی، عباس (۱۳۶۳)، هدیة الاحباب، تهران: امیر کبیر.
۴۷. همو (۱۳۱۹ ق)، منتهی الأمال، قم: ناشر الاسلامی.
۴۸. همو (۱۳۶۹ ق)، تحفه الاحباب فی نوادر آثار اصحاب، تهران: ناشر الاسلامیه.
۴۹. قهپائی، زکی الدین (۱۳۸۴)، مجمع الرجال، تحقیق سید ضیاء الدین معروف به علامه اصفهانی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۵۰. مجلسی، محمد باقر (بی تا)، بحار الانوار، طهران: المطبعة الاسلامیه.
۵۱. مدرس، میرزا محمد علی (۱۳۷۴ هـ)، ریحانه الأدب، بی جا، شرکت سهامی طبع کتاب.
۵۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، خدمات متقابل ایران و اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
۵۳. مفید، محمد بن محمد (بی تا)، الإرشاد، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران: علمیه اسلامیه.
۵۴. مفید (بی تا)، الفصول المختارة، بی جا.
۵۵. مقدس زاده، سید محمد (۱۳۳۵)، رجال قم، تهران: بی نا.
۵۶. موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۶۷)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: دائره المعارف بزرگ اسلامی.



۵۷. مہدی پور، علی اکبر (۱۴۱۵)، چہل حدیث از غیبت از فضل بن شاذان، قم: نشر حاذق.
۵۸. ہمو (۱۴۱۷)، کتابنامہ حضرت مہدی، قم: مؤلف.
۵۹. ناصر الشریعہ، محمد حسین (۱۳۸۳)، تاریخ قم، تصحیح علی دوانی، تہران: انتشارات رهنمون.
۶۰. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۸ ق)، رجال، قم: ناشر الاسلامی.
۶۱. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية (۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ هـ)، الموسوعة الفقهية الكويتية، الطبعة الثانية، کویت: دارالسلاسل.



